



رهائی

سال سوم، شماره ی ۱۰۹
پنجشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۰

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

اتحاد عمل چپ،

گامی مثبت و ضروری

برای تبدیل شدن به بدیل واقعی اجتماعی



منتشر شده است. چریکهای فدائی (اقلیت)، راه کارگر و جناح چپ اکثریت پلاتفرم پیشنهادی خود را تحت عنوان " نامه ی سرگشاده به سازمان مجاهدین خلق ایران " منتشر ساخته و کومه له در سمپه ی ۳ نشریه ی تئوریک پیشرو تحت عنوان " وضعیت سیاسی کنونی و ضرورت تدارک قیام " بعد از مقدمه ای متوسط موادی را بعنوان پلاتفرم پیشنهادی بچاپ رسانده است. پس از گذشت سه سال از قیام بهمن ۶۵۷ سه سال پراگندگی، تشتت و سردرگمی بنظر میرسد که بقیه در صفحه ی ۲

اخیرا از جانب برخی از سازمانهای چپ از جمله: سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) بهمراه جناح چپ اکثریت و راه کارگر مشترکا سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) پلاتفرمهایی به عنوان زمینه ی اتحاد عمل نیروهای انقلابی و دموکرات

راه حل ایران

برای مسأله افغانستان:

صدور انقلاب اسلامی " طراز نوین "

در راهی شماره ی ۱۰۸ مقالهای پیرامین مناسبات ایران و نیروهای جهانی منتشر کردیم و طی آن اظهار داشتیم که بنابر ماهیت رژیم و شرایط ویژه ، در حال حاضر هم نیروی و هم امریکا به رژیم ایران بعنوان انتخاب دوم خود نگاه میکنند . این نیروها هر یک در همین حال که از بوجود آمدن و رشد انتخاب بهتری برای خود استقبال میکنند معینا تا آنزمان از رژیم کنونی حمایت کرده و یا حداقل سعی در بر- بقیه در صفحه ی ۱

در صفحات دیگر :

- * اصلاحات ارضی اسلامی
- * ایران و مطبوعات جهان
- * اطلاعیه
- * و

نکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

اتحاد عمل ...

جیب ایران بالاخره به این واقعیت پی برده است که در شرایط بحرانی کنونی، در شرایطی که همگی بخشهای ایزوسیمون بغیر از جیب خود را برای کسب قدرت آماده کرده و صاف آخراتدارک میکنند راهی جز اتحاد بین خود برای مقابله با ارتجاع و مرزندی با نیروهای راست و همچنین حرکت در جهت تبدیل شدن به یک بدین واقعی اجتنابی ندارد. هر برنامه ای برای آینده، اتخاذ هر سیاست و تاکتیکی باید از مسیر اتحاد عمل نیروهای جیب بگذرد، زیرا در غیر اینصورت جز بیخودن براهه های بیسوده نماند. آرمانی برای جیب نداشته و محکوم به شکست است. تجربه ی روزمره ی رخدادهای ماه های اخیر به نکتك نیروهای جیب نشان داده اند که هیچ یک از آنها قادی به تاثیرگذاری بر روند چشمگیری نخواهند بود. از این رو به اعتقاد ما گسهای برداشته شده در این جهت امری بسیار ضرت است. يك گام به پیش است و باید خود استقبال ترار گیرد.

بخودی خود ضربه زننده و ضرر نیست. بشروط اینکه کوشش دسته جمعی نه برای حفظ و چاودانه کردن این بلوکها بلکه در جهت نزدیکی بیشتر آنها به یکدیگر باشد. تلاش در جهت ایجاد اتحاد عمل بین گسهای بخشهای جیب باشد.

علیرغم تمام این نکات پلانفرم ارائه شده از جانب رفقای اقلیت، جناح جیب اکثریت و راه کارگر یکت ایوان اساسی نیز دارد که اشاره به آن ضروری است.

ارائه پلانفرم در چهار جوب نامه ی سرگشاده به مجاهدین خلق، بعد از نزدیک به ۵ ماه که ائتلافی مجاهدین - بنی صدر میگردد، بعد از اعلام تاضع مجاهدین بنی بر پایندی به بنی " نیروی ملی مقاومت " حاکی از توهم مفرد این رفا نسبت به مجاهدین خلق است. رفقای اقلیت در سرفاله ی در شماره ۱۳۲ کار از جمله می نویسند:

" بنابراین سازمان مجاهدین در جنگالیک تناقض فرار گرفته است. تناقضی که سرانجام باید بین نیروها با برنامه ی رفتمیشی و نیروهای انقلابی با برنامه ای انقلابی یکی را انتحاب کنند و..."

تنبیه به چنین توضیحی را در نشریه ی راه کارگر شماره ۹۶ در توضیح پیرامین " نامه ی سرگشاده... " نیز میتوان خواند. رفا هنوز نمیخواهند بپذیرند که مجاهدین خلق انتخاب خود را مدتها پیشتر کرده اند. مجاهدین خلق نه ناآشنا با مواضع جیب بوده اند و نه بی خبر از مواضع بنی صدر. آنها آگاهانه روی را انتخاب کرده اند و برای این انتخاب نیز قطعا دلایلی دارند که در چهار جوب مواضع و بر نامه های آنها میگوید. مسعود رجوی بارها و بارها طی صحابه های خود با خبرنگاران خارجی به اهمیت ائتلافی با بنی صدر و امکاناتی که از این طریق برای مجاهدین ایجاد شده یا خواهد شد، اشاره کرده است. بنابراین اصرار بر جدا کردن مجاهدین از بنی صدر از جانب این رفا، بعد از تمام مواضع گیریهای مجاهدین صرفا میتواند به معنای دلخوش

طبیعی است که امروز، در شرایطی که اولین گامهای عملی برای شکل دادن به اتحاد عمل بین جیب برداشته میشود، نباید انتظار داشت که بشوآن یک شبه ره صدساله را بیخود. نباید منتظر بود که مجبوهی جیب، فتنهای متفاوت آن، بدون سپری کردن دورانی برای نزدیکی بیشتر با یکدیگر، ناگهان همه باهم بر اساس برنامه ای که مورد توافق همه باشد، متحد شده و ستاد نیرومندی را برای سازماندهی و پیشبرد مبارزه طبقاتی بیخود آورند. طبیعی است که در ابتدا بخشهای متفاوت جیب، هر یک در ابتدا هر بخش در درون خود کوشش کند به جنبش اتحاد عملی دست یابد و حتی تا مدتها بخشهای مختلف به موازات یکدیگر بر حفظ بلوکهای ایجاد شده یاقتاری کنند. در این زمینه انتشار دو پلانفرم از طرف بخشهای مختلف جیب و به نتیجه نرسیدن مذاکرات مشترك بین همین امر است. اینها همه

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه دار

داشتن به امری باشد که اگر نه غیر ممکن، لااقل فعلا دور از ذهن است. اما اگر قضیه به همینجا ختم میشد و این توهم نسبت به مباحثین در تزهها و برنامه های این سه جریان تاثیر طعوس و قائل توجیسی بجا نمیکشاد، شاید حتی اشاره به آن نیز ضروری نبود. اشکال اساسی اینجاست که ظاهرا پلانفرمی برای ائتلاف نیروهای چپ تنظیم میشود لسی خطاب به مباحثین منتشر میگردد و در نتیجه اجبا- را مواد و مقدمه های آن با چلات گنگ و دو پهلو به نحوی تنظیم میگردد که قبول مباحثین هم بتواند فرار گیرد. این رفتار هنوز هم نمیخواهند بپذیرند که اگر هم امکان جدا شدن از بنی صدر را برای مباحثین تصور باشیم، این امر صرفا در زمانی بیشترین زمینه و امکان را خواهد داشت که آئینمان را بطور واقعی با يك انتخاب مواجه کند. جدا کردن مباحثین از بنی صدر، سوق دادن آنان به يك متی انقلابی، نه از طریق بنده و اندرز و تکرار نصایح، بلکه فقط و فقط از طریق عمل موثر انقلابی و تحمیل يك برنامه ای انقلابی صبر است.

در پلانفرم ارائه شده از جانب این رفتارنگات اشکال دیگری نیز دیده میشود که ما بحث مفصل بر سر تک تک این موارد را به فرصت دیگری موکول میکنیم.

برخلاف پلانفرم رفتای اطمینان، جناح چپ اکثریت و راه کارگر، پلانفرم پیشنهادی رفتای کومه له هم در مقدمه های آن و هم در بند پلانفرم از انسجام بیشتری برخوردار بوده و با اینکه با نکات مختلفی در دیدگاه ارائه شده از جانب این رفتار در مقدمه های پلانفرم موافقت نداریم ولی معتقدیم در مجموع پلانفرم پیشنهادی کومه له میتواند آغاز خوبی برای دست یافتن به اتحاد عمل بین نیروهای چپ باشد.

مسئله دیگری که برای جلوگیری از بروز توهم نسبت به روند ایجاد شده در جهت اتحاد عمل چپ باید در نظر داشت و به آن توجه کرد این است که به نظر سرمد گامهای جدیدی برداشته شده در جهت ایجاد اتحاد عمل چپ هنوز هم نه بر اساس درک ایدئولوژیک ضرورت این امر بلکه عمدتا بدلیل شرایطی است که از جانب ارتجاع به چپ تحمیل شده است. شناختی تجربی است و نه ایدئولوژیک. درک يك ضرورت مرحله ای است. حرکت برجسته جناحی

اگر در این چهلچوب محدود بماند میتواند سرعت و به محض اینکه "ضرورتها" از بین رفت، فشار ارتجاع بهبود لیل کمتر شده، به حالت اول خود بازگردد. بار دیگر هر سازمان ریز و درشتی خود را مرکز چپ بپندارد و ادعای رهبری مبارزات طبقه کارگر را در سر بیوراند. ما امیدواریم که حداقل این بار اینگونه نباشد. اینبار چپ به این ضرورت تاریخنا دست یافته باشد و گامهای خویش را چنان استوار بردارد که در آینده بتواند کمبودهای گذشته را جبران کرده و نقش خویش را در پیشبرد امر مبارزه طبقاتی ایفا نماید. مانیز چون همیشه بسم خود خواهیم کوشید در این زمینه ادای سهم کنیم.

تجسم مطلق يك شياد

وبازسازی يك کابوس در ابعادی مخوف

آیت الله خمینی میگفت: علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را میخواهد هم مرده کنیم... دلخوش نباشید که تنها سکن همایون، آب و برق را برای طبقه مستضعف میانی میکشیم، اتوبوس را برای طبقه مستضعف میانی میکشیم، دلخوشی به این مقدار نباشید، معنویات شما را روحیات شما را عظمت میدهیم. هم دنیا را آباد میکنیم و هم آخرت را! (کجهان، ۱۱/۱۲/۵۷)

آیت الله خمینی گفت: مگر این انقلاب برای این بود ماست که يك خانه ای به مردم بدهد؟ يك کسب و کاری برای مردم ایجاد کند؟ (انقلاب اسلامی، ۸/۳/۵۶)

خانه و آب و برق و اتوبوس میانی، سرش بخورد، ببینیم که آرکانهای مسئول امور سکن و روابط مالک و مستاجر در جمهوری اسلامی آیت الله خمینی دربارهی افزایش مداوم و سرسام آور اجاره بها، چه میکنند.

دقت بنیاد سکن: "این دفتر هیچ مسئولیتی در کنترل اجاره بها ندارد" (اطلاعات، ۲۱ مهر ۶۰)

شعبه ۳۲ دادگاه صلح: "اگر مالک و مستاجر با یکی از آنها به این دادگاه مراجعه و شکایت کند، دادگاه بین آنها صلح میدهد و هیچ مسئولیتی در کنترل اجاره بها ندارد" (همانجا)

دفتر صدور اجازه معاملات سکن: "این دفتر کاری به اجاره و اجاره خانه ندارد" (همانجا)

وزارت سکن و شهرسازی: "کنترل اجاره بها با وزارت سکن و شهرسازی نیست و این وزارت خانه هیچگونه مسئولیتی ندارد" (همانجا)

اصلاحات ارضی اسلامی:



وثیقه‌ای نامعتبر برای ادامه حیات رژیم

آسیاتی در جامعه روستایی ایران را یکی از میان نمیرد. (برای آشنائی با مسأله مربوط به نظام فئودالی و شیوه تولید آسیاتی در ایران مراجعه کنید به مقدمه م. ن. بر. ترجمه‌های اقتصادی مامل سرمایه داری نوشته مارکس و مقالات گروه اتحاد کمونیستی در دفتر این گروه می‌توانید ببینید.)

در شماره قبل (رهائی ۱۰۸) به دلایل سیاسی شان نزول " احکام ثانویه" از جانب امام خمینی و تبدیل رژیم جمهوری اسلامی به اصلاحات ضد انقلابی با بهترین رژیم برای انداختن هابیدی در هر اصلاحات اشاره کردیم. و این اصلاحات را با اصلاحات آریامبری مقایسه و تفاوت‌های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی زبانی و مشخصات اصلاحات آریامبری را با اصلاحات فقه اعظم برشمردیم. در این شماره و شماره های بعد به تحلیل و فصل تر اصلاحات ارضی اسلامی و محتوای واقعی آن خواهیم پرداخت.



مانند با صدور برای انقلاب. زمینهای کشاورزی ایران، بعد از چهارگروه تقسیم میشود. الف. زمینهای موات که بدون صاحب بنظر میآیند. ب. زمینها و باغات و مزارع و... صادره ای نظیر بر آن دسترس از زمینهای کشاورزی میباشند که بر اساس معیارهای اسلامی نظام جمهوری از راههای نامشروع بدست آمده اند. برخلاف آنچه که مفسرین شیر اپوز- تونیسم راست قصد تحویل آنها دارند ضابطه ای مشروع بودن یا ضابطه ای اثبات سرمایه و صاحب زمین از طریق استظهار زمینداران روستاها همچگونه مصدقین ندارد. آنکه "بویو شرحه می خورد را پرداخته است. بدون توجه به بیائی که در شکل سالیان دراز روستاییان زجر کشیده و پشت خمیده این سرزمین برای آن پرداخته اند. ضمیمه بنده ب. تنظیم و تحشود. در این باره دلایلی بعدا ارائه خواهیم کرد.

بعد از گفتگوها و مبادلات فراوان و حتی کشاکش و تنازعات، چه در درون حاکمیت و چه در میان نیروهای اجزایین، اینک تقریباً میتوان گفت که رژیم جمهوری اسلامی به سوی یک سیاست " مشخص ارضی کشانیده میشود. قلا یاد آوری رو و نکه نهایت ضرورت را دارد. نخست آنکه شخص شدن چنین سیاستی هرگز به معنای مطلق جا افتادن یک شیوهی خاص و در ارتباط مبین با مجموعه ای مملکتگرد ها و برنامه های نظام حاکم نیست. تنها اشکلی ها و گنج سرمایه گذار شده است که در زیر فشار نیروهای طبقاتی وینهای کنار میرود. دوم آنکه بیرون آمدن یک گرایش غالب در سیاست ارضی از پس غبار اوهام و ناراستیها، ناشی از تثبیت عمومی رژیم نیستند برعکس فرار است که این گرایش از سوی حاکمان واقعی، در صورت امکان به عنوان ابزاری برای سرمایه داری دادن و تثبیت رژیم در هم شکسته نگار برود.

ج. مشعل بر زمینهای است که با بر بوده و دارای مالک میباشد. این زمینها از حیث کشاورزی بطور کلی "موتوب" تراز زمینهای مورد نظر بند "الف" میباشد. چرا که بهر حال تحت مالکیت قرار گرفته اند. لیکن، بعلمت غیر اقتصادی بودن کشت، بنابه دلایل توانگین و عمدتاً بدلیل کم آبی، این زمینها بصورت با بر باقی مانده اند. بدین ترتیب حاصل جمع زمینهای بندهای "الف" و "ج" هرچقدر هم که زیاد باشد از حیث ناشوری که بر سطح کل تولید کشاورزی دارند در مقابل زمینهای مربوط به بند "د" ناچیز جلوه میکند. حتی زمینهای مربوط به بند "ب" نیز در حدکی از کل زمینهای زیرکشت را تشکیل میدهند. در عمل، در شرایط موجود، قسمت عمده ای از زمینهای مربوط به بند "ج" (شاهد حدود ۶۰-۷۰٪ در صد این نوع زمینها) در آینده ای نزدیک بحال فنی و اقتصادی اساساً امکان کشت ندارند. گرچه در صورت تقسیم زمین در چهارچوب کشت سنتی خانوار برخلاف کشت سرمایه داری، قسمت کمی از این زمینها میتواند ضابطه ای اقتصادی بودن را تحقق یابد کند. اما زمینهای مربوط به بند "د"، کالای عبارت از زمینهای هستند که در حال حاضر زیر کشت صورتند. این زمینها امروز دارای ارزش مبادله بوده

لا یحیی ارضی که در حدود یک سال و نیم پیش به تصویب شورای انقلاب رسید، تا به امروز علاوه جز چند ماده قانونی خشک و خالی بر روی کاغذ نودماست. تفاوت عمده لایحه شورای انقلاب با طرح اصلاحات ارضی پیشین، موضوع به طرح رضا اصفهانی، از زمین رفتن جنبه غالب کشت شاعی و ایجاد زمینه های قویتر برای دفاع از مالکیت و زمینداری شروع میباشد. لایحه بعدی از اساس بدنهال عقب نشینی های بی در پی در مقابل جناحهای طرفدار مالکیت شروع ارضی، مالکین و وابستگان آنها و پیوسته روحانیت متعلق به تفکرات سلط فئودالی شکل گرفت. در مقابل طرح قبلی که مایه اشکال اینها و فشارهای برخی جناحهای مذهبی - روشنفکری را بدینال خردن بزرگوار بود، طرح شورای انقلاب، آشکارا نوحی حمایت از مالکین به حساب میآید. گرچه به موجب اصل طرح امکان بزرگ مالک ظاهرا ملغی شده بود، شرایط کلی نظام ارضی و واقعیتهای زنده، امکان برقراری بزرگ مالک، و حتی اطاردی شرایطی از نظام تولید فئودالی خاص منتج از شیوهی تولید

و از زمانیکه ضایعات سرمایه داری در روستا های گسترش یافته و نتایج یافته بصورت یک کالا وارد دایره های مبادلات بازار گردیده و خرید و فروششان رواج یافته است. در اختیار داشتن چنین زمینهای، بخشی که بتواند خشت تولید به مقیاس کافی برآورد تا همین معاش سالانه یک خانوار روستایی باشد نیاز به منابع مالی نسبتا (نسبت به متوسط تشکیل سرمایه سرانه بخش روستایی) زیادی دارد.

اگر در یک محاسبه ساده و نمونه وارد خانوار روستایی مجموع کشتی معادل ۵ تن گندم داشته باشد ارزش ریالی تولید او معادل ۲۵۰۰۰ = ۲۵۰۰۰ x ۵ ریال خواهد بود که با فرض ۵ نفر اعضای خانوار، تولید سرانه (بخش عمده ای از مصرف سرانه ای خانوار) معادل ۲۵۰۰۰ ریال خواهد بود. بهر صورت با فرض قبول ۱۰ درصد نرخ بهره ارزش سرمایه و دستمزد برای تولید فوق باید معادل ۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال (۱/۲۵۰/۰۰۰ x ۱۰ = ۱۲۵۰۰۰) یا ۱۲۵ هزار تومان باشد. اگر نتیجه داشته باشیم که نیروی کار در کشت سنتی گندم نسبتا پائین است (تقریبا ۴۰ روز در سال) و سرمایه ای فراوانی نیز بکار نرود، در اینصورت رقم بالا میآید به مقدار زیادی ضحکس کننده ای ارزش زمین (در اینجا زمین کشت آبی و لذا زمین با آب مورد نظر است) باشد. همین در مقایسه با انواع زمینهای زیر کشت، این نتیجه نیز به راحتی بدست میآید که زمینهای بند ز (که در لایحه اصلاحات ارضی اسلامی، بحث و تقسیم آن به این زوایا، در میان نیست)، بعلت مرغوبیت نسبتا کمی که دارند، دارای رانت (بخشی از ارزش تولید بر روی زمین که به خودی خود ناشی از مرغوبیت زمین است) زیاد بوده و از تاسیسات (مانند جاده و موتور و پمپ) و آب و زهکشی پر هزینه ای برخوردار هستند. طرح این جنبه از مسئله در بخشی که بعدا خواهیم داشت بکارمان میآید.

رساله های آیات عظام آمده است. وابستگی به رژیم سابق از نظر کمی قابل اندازه گیری نیست که گفته شود مثلا فرض بین صفر تا ۱۰۰ را انتخاب میکند و اگر از ۵۰ تجاوز کرد انگ وابستگی دارد، و الا خیر. فلان مالک که سابقه زنا و قمار و غیره ندارد و رابطه نیکی با ملای ده برقرار کرده و سهم امام را به یکی از آیات عظام پرداخته و سابقه خوش خدشی به اسلام دارد، هر چند هم که از ضایع اعتبارات کشاورزی بیرون باشد و ناعادلانه سود برده و هدتهای مدید از حاصل استثمار کارگران روستایی و دهقانان زندگی کرده باشد، حتما شانس قرار گرفتن در بند را خواهد داشت. بهر حال پرداخت وجوه شرعی و اشتیاق به سلطنتی، خنثی کننده بسیاری از وابستگیها هم تواند بود و این امر نیاز به اشیاء و اراضی نمونه ندارد و در واقع نه تنها عملکرد نزدیک به سه سال حاکمیت از جنبه لغو بسیاری از احکام صادره توسط دادستان کل انقلاب اسلامی قدوسی - بلکه همین ماهیت اعتقادی و فکری سرطداران رژیم به وضوح این امر را گواهی میکند. خلاصه اینکه لایحه اصلاحات ارضی اسلامی نه تنها در صورت اجرای بند ج بلکه حتی در مطلوب بقیه در صفحه ۹

ایران و ...

پایینشال تا یاز در اول سپتامبر ۸۱ پس از اشاره به اقدامها و تئورها و در در خطر بودن حیات خمینی و تاسف از مرگ بهشتی، روضاوردن بازمانگان آپوزسیون میانه رو به معاهدین در رانت سرکوب قشرین، میبوسید.

جنگ قدرت میان دولت و دشمن خانگی، در همین حال موجب شد فاست که دولت نتواند به سایر مشکلات اساسی کشور بپردازد. جنگ با عراق هنوز ادامه دارد و بسیار هم واقعی است. درآمد نفت بدلیل بالا بودن قیمت نفت خام ایران پائین میآید و بسیاری از قراردادها باید در ظرف دو سه ماه آینده تجدید شوند. همه این عوامل منکسبت موجب شوند که بسیاری از هیران غرب آرزو کنند که انقلاب اسلامی بالاخره در اثر مبارزه گروههای سیاسی و هرج و مرج، سقوط کند. اما در همین حال نباید فراموش کرد که معاهدین در گردن کشی سال ۱۹۷۹ دست داشتند و نفرت شان از غرب خیلی بیشتر از هیران کونی جمهوری اسلامی است. ایران هنوز هم قدرتمندترین کشور خلیج فارس است و به آسانی میتواند موضع دومین صادرکننده نفت جهان (پس از عربستان) را دوباره بدست آورد. اما نتیجه مبارزه و حشمانه قدرت هر چه باشد بنظر تصورم که در کوتاه مدت وضعی بوجود آید که برای غرب بر رژیم کونی ایران رجحان داشته باشد. (۱) بنقل از آبرانشهر، دوره سوم، شماره مسلسل (۱۰۳)

مقایسه ۱۲۵ هزار تومان فوق با مثلا ارزش سرقطی یک معازه در یک محله ی پائین تر از متوسط رقم مطلقا پائینی نیست. در حالیکه وجود سطح مصرفی نه چندان بالا برای دهقانی که بر روی آن کار میکند خواهد بود.

خلاصه اینکه بیش از ۸۰ درصد از زمینهای تقسیم شدنی در بند د که فعلا حرف تقسیم آنها در میان نیست و یا لافل به این زوایا انجام نخواهد گرفت قرار دارد. بنابراین توقف بند د به معنای چیزی جز توقف واقعی لایحه اصلاحات ارضی اسلامی نبوده و نیست.

در همین جا لازم است اشاره کنیم زمینهای بند د شامل صادره های بند ب میشوند. صاحبان آنها بنا به تعریف از وسایل غیر سرشعی سود نمهند اند. قطار باز، رشوه خوار و مرج صادره فعتاء و وابسته یستقیم به دولت و دربار شاه و سازمانهای امنیتی آن به شمار نمیآیند. تشخیص اینکه فلان زمین کشاورزی در بند ب یا در قرار میگردد بر اساس ضوابط مربوط به شرح مقدس اسلام به عمل میآید. معیار صادره فعتاء همانست که در توضیح الصاف ها، خاصه در

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

راه حل ...

نداختن آن نمیکنند و نیز هر یک میگویند با مانورهای مختلف گرایش‌های درونی رژیم بنفع خود را تقویت نمایند. وقایع اخیر نشان میدهد که تحولاتی در این زمینه در شرف وقوع است:

۱- صادرات رئیس جمهور معدوم هر چند روز قبل از ترک رسماً اعلام میکند که مجاهدین افغانی در هر تعلیم نظامی میبینند و در عین حال اظهار میدارد که امریکا سلاح‌های ساخت شوروی موجود در حصر را با قیمت خوب برای مجاهدین افغانی خریداری میکند. در اصل مسئله کسی تردیدی نداشت ولی اعلام رسمی آن از طرف فردی که در وابستگی به امریکا تردیدی نیست بسیار تعجب‌آور مینماید. همان زمان مشخص بود که این اعلام رسمی هدفی را در پشت سر دارد و احتمالاً بخاطر در محظور قرار دادن نیروهای است که هنوز ماهیتشان روشن نبود.

۲- دو هفته پیش ریگان رئیس جمهور امریکا بدون رودربایستی از نقش‌آرتر در سقوط رژیم شاه انتقاد میکند. این مسئله نیز یعنی توافقی است که امریکایی‌ها با قدرتمندان کمونی (قبل از انقلاب) - بر کسی پوشیده نیست و مذاکرات هویزه، بازرگان، بهشتی، به نیابت از جانب خصمی معروف هنگام است. اما آنچه در بصری نتیجه بود این بود که این امر را چرا ریگان بطور رسمی اعلام میکند. کارتر دیگر کسی نیست و گریه کرده را کسی خوب نمیزند. هدف بنا بر این، کارتر نیست. هدف کسانی هستند که مورد مذاکره کارتر بودند: رژیم ایران.

۳- بغض‌های چندروزه نیویورک ۲۶-۱۹ اکتبر (۲۷ مهرماه - ۴ آبان) خبر زیر را نوشت:
"ایران قصد دارد که افغانستان را آزاد کند. ممکن است بزودی ایران برنامه‌های ویژه‌ی خود را برای خاتمه دادن به اشغال افغانستان توسط شوروی اعلام دارد. بنا بر گزارش منابع دیپلماتیک ایران قرار است که از سکو دعوت کند که نیروهای خود را پس بکشد. در صورت توافق شوروی نیروهای ایران و کشور های دیگر همسایه

بطور موقت برای حفظ صلح وارد افغانستان میشوند تا اینکه یک دولت جدید تشکیل شود. بعضی از ناظرین معتقدند که شوروی از راه حل ایران استقبال خواهد کرد. این امر باعث خواهد شد که تلفات شوروی کاهش یابد و در عین حال افغانستان بدست غرب نیفتد. رهبران رژیم ایران معتقدند که در افغانستان یک رژیم جمهوری اسلامی مورد قبول شوروی تشکیل خواهد شد زیرا این جمهوری از غرب و شرق مستقل خواهد بود."

این خبر بسیار مهم نشان میداد که منابع جاسوسی غرب از مذاکرات پنهانی ایران و شوروی و توفیق‌های در پشت پرده باخبر شده اند و به همین علت چراز چندسال اشغال افغانستان تازه به این صراحت افتاده اند که رسماً اعلام کنند که مجاهدین افغانی وابسته به آنها هستند! خشم آقای ریگان و حمله‌ی معنی دار به رژیم ایران (که ما شما را بر سر کار آوردیم) نیز قابل فهم بود.

۴- آقای رهنجانی در نماز جمعه‌ی اول آبان هنگامیکه امت سلطان شعار مرتکب امریکا، مرتکب شوروی را میداد متذکر میشود که در این مرحله شعار ما مرتکب امریکاست و این در حالی است که

شماره شدن شعار "مرتکب شوروی" را که در دنباله‌ی شعار مرتکب امریکا از طرف "عطا محمد نور" سراسر کشور که برای دیدن چند قطره اشک زهکی امام امت به جطران شناساقت بودند - ایراد میداد، در این شوی تلویزیونی از چشم کسی پوشیده نماند. این امر بدون هیچگونه تردیدی مشخص می‌آید که مسئله‌ی در پشت پرده در حال وقوع است.

۵- در هفته‌ی گذشته بطور موقتی مطلع شدیم که یک هیئت عالی‌رتبه‌ی نظامی شوروی (که به احتمال زیاد وزیر دفاع شوروی سرپرست آن بوده است) مخفیانه به ایران آمده است. مسلم شد که توافق‌نامه‌ی آخرین مرحله‌ی خود رسیده اند ولی "منت همیشه در صحنه"ی ایران هنوز از جریان مطلع نیست. تا

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

اینکه:

[۶] ناگهان در تاریخ ۶/۸/۶۰ آقای موسوی وزیر خارجه (قبل از رای تمایل مجلس به نخست وزیری اینتان) مانند اینکه ناگهان به وی الهامی شده است در یک صاحبی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام میکند که:

* ما ضمن مخالفت با تمامی این طرحها (طرح های دیگران در مورد افغانستان کنگو یا قندهار) همان کشیدن کشورهای اروپائی و امریکائی را داشته اند ((دوباره اعلام میکنیم که تنها راه حل افغانستان تشکیل دولتی اسلامی و ضد امریکائی ((و یا عزیزان نیزوزیک مورد قبول شو. روی ۲)) است و این طرح ((طرح ایران)) نیز با توجه به شرایط این کشور ترکیب جمعیت عتاید و اشتراکات دینی ما با آنها و اهمیتی که این مسئله برای تمام کشورهای اسلامی دارد تهیه تدوین شده است (اطلاعات ۶ آبان ۱۳۶۰)

بدین ترتیب معلوم شد که نه تنها ضایع جاسوسی غرب از مسائل با دقت و از حدتها پیش باخبر شده بودند بلکه مردم آن جوامع نیز زودتر از امت همیشه در صحنه * از آنها مطلع شدند. این مسئله بهر حال حادثی بسیار مهمی است که حکایت از بسیاری مسائل پشت پرده میکند.

این * راه حل * بهر حال امتیازاتی برای رژیم های درگیر دارد که قابل توجه است.

مسئله افغانستان برای شوروی از چند جانب معظوره اتی ایجاد کرده است. پس از قریب چهار سال از کودتا و سپس اشغال نظامی این کشور ثابت شده است که اگر مسئله به همین صورت ادامه یابد پایان قضیه معلوم نیست. رژیم کارمل موفق نشده است که خود را تثبیت کند و بعنوان یک رژیم دست نشانده تلقی میشود. نه تنها سلطنتانسان بلکه عدهی کثیری از نیروهای ملی نیز به شوروی به عنوان یک نیروی شریک میگردند. این نیروهای اخیر بعلت حمایتی که از جانب رژیمهای ایران و پاکستان از سلطنتانان میشود عملاً تحت همزونی آنها قرار گرفته اند. امکانات وسیع پشت جبههی مجاهدین

(در ایران و پاکستان) عملاً امکان ریشه کن کردن آنها را توسط شوروی از بین برده و آینده را بگلی ناروشن ساخته است. بیاد آورده شود که هنگام وقوع کودتا در افغانستان هم رژیم ضیاء الحق نااستوار ترس از وضع فعلی بود و هم در ایران رژیم جمهوری اسلامی در ایران هر دو عواملی بودند که به ویژه و امکانات مجاهدین افغانی افزودند.

نه تنها اداهای جنگ در خود افغانستان مسائل بینظیری برای شوروی آورده است و نه تنها اداهای این وضع الی غیرالتهابه برای شوروی مقبول نیست بلکه اداهای اشغال افغانستان آب به آسیاب تبلیغات ضد شوروی وسیعی در سطح جهانی ریخته و بهانهی سیاسی بدست امریکا داده است. امروزه کمتر کشوری در جهان است (البته غیر از وابستگان مستقیم شوروی) که این اشغال را محکوم نکرده باشد. این امر بخصوص در روابط اروپا و شوروی نیز تاثیر داشته و به امپریالیسم جهانی مجوزی برای تسلیح بیشتر علیه شوروی داده است.

و فوج یاره ای رویدادها در کشورهای وابسته به شوروی (مانند لهستان) و چشم انداز ضرورت اشغال نظامی این کشور توسط شوروی نیز مسائل را پیچیده تر کرده است. همهی این عوامل موجب میشوند که شوروی راه حلهائی مانند * راه حل ایران * را برای خروج از محضه مورد تامل جدی قرار دهد و هتسی اینطور که شواهد حکم میکند دو رژیم در توقع با هم آنرا * تهیه و تدوین * کرده باشند.

البته این سؤال پیش خواهد آمد که سر نوشت برون کارمل و * کمونیستهای افغانی چه میشود. اگر کسی تصور کند که این مسئله در محاسبات شوروی میگنجد نه از سیاست جهانی شوروی اطلاع دارد و نه حتی از تاریخ اخیر ایران. یادآوری سکوت و ناتند شوروی از حکومت کودتائی شاه زاهدی در ایران درست در زمانی که کمونیستهای ایرانی گروه گروه به جوخه اعدام سپرده میشوند خالی از فایده نیست. لازم نیست حتی حوادث کشتار کمونیستها در عراق و هر یادآوری شود. ایران

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

کافی است. بهرحال تردیدی نیست که توافقاتی روی کفشد برای همزیستی صالحت آمیز سلطنتان و کمونیستها بعمل خواهد آمد و محتفل نیز هست که در صورت اجرای طرح عملا نیز ماجرای اتسالی خط امامی-تودمائی خودمان لااقل برای مدتی در افغانستان انجام شود. بقول آقای موسوی خلیلی چیزها در ایران و افغانستان شباهت است.

نوامی که رژیم ایران از این طرح صیرد بسیار زیاد است. خواب ادامی "انقلاب اسلامی" و "صدور" آن به یک کشور دیگر بگردیدن تردید هوش از سر بیرون خط امام مویاید. این امر در محاسبات آنها عامل بزرگی در تثبیت خود رژیم اسلامی در ایران خواهد بود که البته در صورت اجرای تاثیر نیست.

مسئله ی دیگر کمک هائی است که شوروی درخاتمه جنگ ایران و عراق به ایران خواهد کرد. رژیم ایران خوب میدانند که با وجودی که این جنگ، فوایدی برایشان دارد معینا نه میتواند بدون چشم انداز ادامه یابد و نه اینکه علیرهم همه هیاهو هاو دروغ ها رژیم ایران قادر به پس گرفتن زمینها است. کمک شوروی چه بصورت وادار کردن عراق به عقب نشینی بماند و چه بصورت کمک رساندن به ایران، از جانب رژیم ایران، مانده ی آسانی است و همان است که در احادیث بصفترا آمده.

این مسائل زمانی مطرح میشوند که وضع رژیم ایران از لحاظ اقتصادی بخصوص در خات عمیاست. ضایع ارزی کشور به انتهای خود نزدیک شده. کسر بودجه بصورت فح کفنده درآمده است. اگر اضافه نفت خام موجود در جهان در چند ماه گذشته امکان فروش نفت ایران را کم میکرد و اگر امتناع زاین از خرید نفت ایران مزید برعلت بود. بماران تلمبه خاتسه ی جزیره خارك امکان صدور میزان قابل توجه نفت را به حداقل رسانده و رژیم را دچار تشویش کرده است. امکانات رژیم در افزایش مالیاتها (واژ نظر سیاسی نامطلوب) است و این ارز را حل نمیکند. در این زمینه نیز حسابها شمائی با همه ی الحادش میتواند بسیار کمک کننده باشد. بالاخره در احادیث راجع به کمک طعدین به اسلام شواهدی هست که میتواند ششاهفتسوا قرارگیرد.

اینها البته همه یک جانب مسئله هستند. طذ اکثرات دولت ها و قرار و مدارها و "تنبیه و تدوین" راه حلها (بقول آقای موسوی) یک جانب قضیه هستند و واقعیات سخت زمینی جانب دیگر و اینها همیشه باهم نمیخوانند. بروسه سرنگونی رژیم ایران با بروسه ناززار جدید سیاسی اش نامدتهای طولانی میتواند دوشادوش پیش روند تنها

آنبه در متن جامعه اتفاق میافتد: واقعیات اقتصادی و میزان مبارزات توده های مردم و نیروهای سیاسی است که سرنونت را همین میکند. بودن یا نبودن هیچ رژیم صحنوم نیست. تعیین کننده مبارزه است. شدت آن، کیفیت آن، و استفاده درست از شرایط موجود. رژیم برای ادامه ی حیات خود "صحنوم" را بخدمت اسلام میآورد، امیرالیم برای جلب رژیم اسلامی و مخالفه با "طعدین" طرح های دیگری میزند. در این مان آنبه برای این یا آن رژیم حیات و مات را تعیین میکند مبارزات توده هاست. هم قدرمطلق مبارزه و هم برنامه و شی آن.

فایده زنا ان

- مادر.
- آزارم مدهد مادر
- وقتی که دستان بدیدن آمدند و دانستم که نو گریه میکنی.
- مادر. حرفم را باور کن.
- زیباتی زندگی. درانتها.
- در زندانم. تود یات است
- و حرفم را باور کن. مادر.
- که آخرین ملاقاتی من
- بونده سیاه بد خیر نخواهد بود.
- روز خواهد بود.
- روز خواهد بود.

صبع القاسم (شاعر ششپایی)

اصلاحات ارضی ...

ترین شکل ممکن آن (ازجمله اجرای بند ۳ م، هرگز قادر نخواهد بود که به مسئله ی کشاورزی ایران و مسئله ی وابستگی اقتصادی در این زمینه، با توجه به ساخت اقتصادی ایران پاسخی ساده بدهند.

اجرای اصلاحات ارضی اسلامی روشی اساسی و شرعی برای حل مسئله ارضی و کشاورزی نیست. مختصری از دلایل خود را بعداً ارائه خواهیم داد. اماحتی در صورت اجرای این لایحه، خواسته های توده های دهقانی، که خواهان گسترش مالکیت زمین و تقسیم عادلانه تر امکانات کشت و زراعت روستایی هستند، چاره ی عمل نخواهد پوشید و بدین ترتیب لایحه ی مورد بحث از هر دو جهت اشاره شده در فوق انحرافی به حساب میاید.

مسئله ی دیگری که شاید در اینجا مورد بحث قرار گیرد، فشارهایی است که اساساً بر سر اجرای این لایحه اعمال شده و میشود. قبلاً به این نکته اشاره شد که طرح اصلاحات ارضی اسلامی در ابتدای کار رژیم (طرح رضا اصفهانی) در اصل تلمیذی از ماهیت خرد و بیوزواری ناب بود که شدیداً با پیوستگی از ایدئولوژی اسلامی، که خود را بصورت بخش آیزنشتاین در مقابل فرهنگ اسلامی فئودالی قرار داده و با بحث در برابری مسئله مالکیت و ارزش کار، مواضع ایدئولوژیک آنجا ساز میگرد، در پی امیخته طرح رضا اصفهانی نمونه برجسته ی این نوع اصلاحات ارضی را به نمایش میگذاشت. در این طرح، اصل بولشوی مالکیتهای بزرگ و، نیمه گشت شاهی در کنار گشت بسر روی قطعه زمینهای متعلق به دهقانان، صاحب زمین کردن خرد و سرمایه داران و غیره گذاشته شده بود.

جالب است بدانیم که طرح رضا اصفهانی مورد تأیید و حتی حمایت شدید سازماتی میاهدین خلق قرار داشته در اینجا اجرای یک برنامه ی متحدالشکل از طریق نهادهای دهقانی و معدود کردن مالکیت بعنوان یک اصل آغاز میشود. بتدریج بقایای گرایشهای فئودالی زیر رهبری تعالیم گسترش

سرمایه داری اسلامی لایحه ی قبلی را عقب زده، لایحه تازه ای را که رادیکالیزم لایحه ی قبلی را زرد و در موضع میانی، بین این لایحه و مواضع طرفداران مالکیت نامحدود اتخاذ میگرد بعداً آن آورد که ضایع خرد و بیوزواری برده و سرمایه داری توسط در آن بیشتر مشوظ بود. شعری انقلاب توفشار جناح بهشتی از حزب جمهوری اسلامی این طرح را به تصویب رساند و لایحه ی اصلاحات ارضی اسلامی نام گرفت.

این لایحه حاوی فشارهای قطعی برای معدوم ساختن اساسی میزان مالکیت نبودنی باوصف این، گماکان با مخالفت بخشی از علمای اسلام روبرو شد.

مخالفتها بر پایه ی دفاع از مالکیت نامحدود به عنوان اصل اسلامی شکل میگرفت. حضرات آیات گنابادی، مرضی نجفی، صادق رومانی و غیره

نمایندگان سرسخت مخالفت با لایحه، بویژه، بنیسه ج و در آن بودند. شاید این امر که آقایان بطور سنتی با آن بخش از بیوه شرعی که از محل

عواید مالکین تامین میشد ارتباط بهتری داشته اند و بهرحال، این امر که پایه های ذهنی انسان بر پیوند شرعی - مالی موجود بین مالکین و عظمی بنا شده است به تنهایی نتواند توجیه گر پاسخی مادی انگیزه های آنان باشد. وابستگی آنها به بازاریان و بخش تجاری سرمایه داری نیز میتواند در ایجاد چنین انگیزه هایی دخیل بوده باشد. بهم صورت ما حرکت از سوی دیگر را هرگز فراموش نمیکنیم. تحلیل مارکسیستی به ما میآموزد که سواي ارتباطهای مادی مشخص، باید نقش فرهنگ و انگیزشهای مذهبی و ایدئولوژیک سیاسی را نیز که از اساق گذشته ریشه میگردند در تحلیل خود بکار ببندیم. میتوان گفت این برجستگان عالم الوهیت و ربانیت این چنین میاندیشند و بدین خاطر میبودنشان به مواضع معنوی برای طبقات دارا تبدیل میشود. تجربه نشان نداده است که از میان اینان خیل یاران طبقه ی کارگر و پانسون زحمتکش و ستمدیدگان برخاسته باشد.

در مقابل جناح مخالف، جناحهایی از حاکمیت که رو در روی سایل دهقانی قرار داشته و فشارهای درونی جامعه ی روستایی را بیش از همه در اندو و در واقع برای بقای حاکمیت نیاز به توجی پاسخ دادن به خواسته های توده ی دهقانی را تجویز میکنند، از ابتدا برای اجرای بند ۳ م و در برنامه ریزی میگردند.

این جناحها عمدتاً در چهار سازندگی، برخی از هیات های ۷ نفری، بخش از کارمندان وزارت کشت و زری و غیره متمرکز شده اند. روزنامه های رژیم در یک سال و نیم گذشته، در هر هفته چندین مقاله و شگایت و بررسی درباره ی لزوم اجرای بند ۳ منعکس کرده و میکنند. شعارهای مربوط بر درخواست اجرای لایحه برودر دیوار شهر نوشته میشود.

ایدئولوژیستهای توده ای و اکثریتی که موقعیت را برای خلقی جلوه دادن حاکمیت ساس یافته اند شب و روز مشغول شمار نویسی درباره ی لزوم اجرای بند ۳ میباشند. آنها این بیوزی خود نشان را در آستانه ی رژیم اسلامی سرمایه و بیکی از آمرین نیروهای ترکش خود را در نمایش خلقی و غلبه امپریالیستی خواندن رژیم اجرای بند ۳ میدانند. در این میان دهقانان معروم نیز شب و روز به ارسال تلگرامها و نامه ها و مراجعات مکرر به جبهادین و غیره دل خوش داشته اند.

جهد سازندگی بتانسیل انفعال را از نزدیک حس میکند صرف نظر از آنکه اعضای آن خود تا حد زیادی از میان اقتدار یائینی جامعه بیرون آمده و آمادگی درک بیمدالتی اجتماعی روستاها را دارند، بعنوان وابستگان رژیم ضرورت اجرای لایحه را برای به نفع بیرون آمدن از خجالت روستائیان و برای تضمین بقای حاکمیت اسلام دائماً تجویز میکنند اعضای جبهاد سازندگی در روستاها هستند و مرتباً

به روستائیان وعده ی بهبود اوضاع را میدهند اما آنها جبهادین را با این خواسته کلاه کرده اند که اصلاحات روستایی شما، تا زمانیکه مسئله اصلی، یعنی مسئله ارضی حل نشده است، قادر به حل واقعی مشکلات ما نیست. بارها در نوشته های روزنامه ها از قول جبهاد گزارش شده است که اهالی

بعنوان اصلی ترین خواسته شان، خواهان اجرای اصلاحات ارضی هستند. شاید خود نیز درک کرده اند که درغیاب تقسیم اراضی، بیشترین نتیجه ی کارشان باز حاصل نوانتداع روستا خواهد شد و آنجا که این ادراک با فشارهای حق طلبانه ی روستائیان در میامیزد و آنجا که زوزه های نظیر "جهاد فقط به مانعی برای احقاق حق ما مبدل شده است و گرنه چرا به قبیله ی اصلی نصیب دازد" به گوش می رسد، جانی برای سرافراز زیستن در روستا و متشکل کردن روستائیان در زیر پرچم اسلام باقی نماند.

در سال گذشته هیئت عالی مرکب از جنبشی معدوم، منتظری و مشکینی از سوی آیت الله خنی، این "حاشی مستضعفان جهان" مامور بررسی و صدور رای قضیه شدند. نتیجه چنین بود: اجرای بند "و" و "د" فعلا متوقف شود. جناح بندی توده ای و آگوستینی از رو نرفتند و اینجای آنجا نشستند و موضوع را به یک سیاست خاص نه فعلا باید اجرا شود منتسب ساخته و حضرات، خاصه شخص جنبشی را از اتهام صد اصلاحات ارضی بودن مبری ساختند. چنین نتیجه میشد که بهتر است در مقابل فشارهای موجود در جهت عدم اجرای بند "ج" کوتاه آمدن تا آنکه شکافی در صف امت پیش نیاید که به سرافرازی نصیب امیرانیم زدرد. البته این موضوع که:

آنوقت احد دفاع از سرمایه داری بهره اتر نصیب چه کسی میشود، سکوت مانده. برای هیئت سه نفری فوق، لازم الاجرا باقی ماند تا آنکه آشکارا گردید که اراده مخالفین لایحه در شورای نگهبان این سنای اسلامی، تلوی یافته است. بحث بر سر این بود که تصویب لایحه اصلاحات ارضی در مجلس، به منظور تقویت و اجرای آن، پس مخالف فقهای شورای نگهبان روبرو شده و تکیه میشود. ظاهر قضیه در آخرین تعولات حکومتی کویا بیانگر آنست که زیر فشار جناحهای طرفدار اجرای بند "ج"، اینالله حتمی سه جناحهای اخص را گرفته و اختیارات ولایت فقیه را به مجلس عویسیمی نموده و بدین ترتیب راه را برای اجرای بند "ج"

باز کرده است. توجه داشته باشیم که آیت الله خنی، بعنوان امام و ولی قبیله، خود زمانی مدافع مالکیت نامحدود و مشروع بوده و در صورت پای بندی به قواعد اسلامی هیچ اشکالی بر گسترش مرزهای مالکیت نمیدید. هم او کویا بعدها نتیجه بخشی از محتوای حرکت انقلابی مردم شده و بنابه صلحت اعلام کرده: "ما نه طرفدار فئودال هستیم و نه سرمایه دار". بدینیم از اینکه در مخالفت با انقلاب سفید شاه، باجه شدتی، اصل تقسیم اراضی را غیر اسلامی تشخیص داده بود.

اما ببینیم (وجه خویست که توده ای ها - اکثریتی ها نیز خوب چشم باز کنند) که مجلس چه چیزی را در سر میپرواند. در همان زمانی که بخشی از سرسپردگان "عاطل" رژیم و هواداران "ماکسیست" شان برای اجرای لایحه سینه جاک میدادند (حاضر نبودند نتایج حاصل از اینگونه اصلاحات را حتی مطالعه کنند، و بالاخص اصلاحات ارضی شاه را با آن به مقایسه بگذارند)، تبصره هائی به قانون افزوده شد و سپس به مجلس تقدیم گردید. این تبصره ها در واقع تنها آثار انگشت جناح نماز گزار بسوی قبیله مالکیت نموده، بلکه تمهیداتی کننده ی ماهیت اصلی اصلاحات ارضی اسلامی به شمار

میانند. در ظاهر، وزیر کشاورزی از تغییرات "مختصری" در لایحه صحبت میکند. اما واقعیت این "تغییرات مختصر" چیزی جز حفظ حقوق مالکین نیست. در اصل لایحه تبصره ای به نام تبصره ی شماره ی ۴ وجود دارد که ناظر بر ضوابط بسط و جلوگیری استفاده از زمینهای مربوط به بند "ج" و "د" میباشد. در این تبصره در ابتدا پیش بینی شده بود که پس از دادن مقدار معینی زمین به زمینداران، مازاد بر آن میان افراد واجد شرایط تقسیم میشود و البته دولت بپای نسق این زمین ها را به مالکین پرداخت میکند (پس از کسر بدهی های مالک به بیت المال). بهر صورت از آنجا که "سند سرش سرمایه" راه خود را می رود، تغییرات جنبشی مفهوم نسق نیز در لایحه اصلاحات ارضی تغییر یافت و به چیزی تبدیل شد که امکان ساز برداشت غرامت را هر چه فزونی بخشد. در این لایحه

گزارشی از کارخانه صنایع فلزی ایران

این کارخانه زیر نظر سازمان گسترش و نوسازی است. با تعداد بیش از ۱۰۰ کارگر از جمله کارخانه هائی است که کارگران آن اتحاد خود را با وجود فشار و خفقان در این سالها حفظ کرده اند. همبستگی کارگران علت اصلی جلوگیری از اخراج کارگران مازاد و آگاه آن در طی دو سال و نیم پس از قیام بوده است. کارخانه بدین دلیل نتوانست مواد اولیه و وجود بدیهیت غلط و ناسالم چندین بار در معرض اختلال در تولید و تعطیل قرار گرفته است. حقوق ۳ ماه کارگران و مزایای آنها هنوز پرداخت نشده است و فقط مقدار ناچیزی علی الحساب دریافت کرده اند.

بنازی مدیر عامل حزب الهی - که کما از سوی جهاد سازندگی آمده - باکت انجمن و شورای اسلامی دست به پاکسازی و اخراج کارگران زده است. شخص مذکور - امیر جمعی - در روز دوشنبه ۲۰ مهرماه ۱۵ نفر از کارگران کارخانه ی خط ۲ را اخراج کرد. مدیر عامل که چندین لیست چند ده نفری را برای به اصلاح تصفیه حاضر کرده است در همین لیست را که اعلام اخراج ۱۶ نفر از کارگران کارخانه خط ۱ بود بردیوار زد.

روز بعدسه شنبه ۲۱ مهرماه کارگران این بخش پس از رویت اعلامیه، تصمیم به اعتصاب ارض و گونشالی مدیر عامل و شورای اسلامی ضد کارگری گرفتند. در باقی بعددهم آنها را کشت زنان به پائین کشیده و خواهان برگشت کارگران اخراجی و حذف لیستها شدند. ساعاتی بعد ۱۲ پایتدار جهت سرکوب همبستگی کارگران بکارخانه آمدند که با اخطار همه جانبه ی کارگران روبرو شدند و اجازه ی دخالت به آنها داده نشد.

گزارش رسیده حاکی است که کارگران اخراجی به کار بازگشته و لیستهای حاضر و آماده ی بندی فعلا بکار زده شده اند. تنها حمایت کارگران از یکدیگر و همبستگی و مقاومت در مقابل تهرکوسی و اجحافات باند حزب الله و عله اکرمی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در کارخانجات ضامن بقای زحمتکشان است.

"نسخ" عبارت شده است از "عطکرد عمرانی کسی که به آبادی زمین اقدام کرده است." حال آنکه مفهوم نسخ عبارت از نوی ارتباط سنتی حقوقی با زمین - آب میباشد.

واقعیت این است که گرایش غالب مخالفین اجرای اصلاحات ارضی و بیشترین تاثیر خود را به هنگام تحویل تمبرها به قانون باقی گذاشت.

بنابه اولین تمبره: "...ارزش کلیه هزینه های کسی که مالک یا مالکین را یا متصرفین قانونی برای عمران و آبادی زمین از مرحله موت تا احیاء شغل شده است... و بنا به همین تمبره: "ارزش تاسیسات و ماشین آلات و ابنیه... به مالک بازپرداخت خواهد شد. درباری تاثیرات این قبیل به اصطلاح اصلاحات ارضی برافات اجتنابی روستا درنظرهای بعد صحبت خواهیم کرد اما آنچه به ارزش زمینها و تاسیسات گرانقیمت میسرود بر روی آنها (که در ساده ترین شکل آن راه نوسازی محاسبه کردیم) واضح است که اگر اصلاحات ارضی بخواهد فقط تا حدی داشته بگستراند، صرف نظر از گرایش به انجام یا عدم انجام آن، چه هزینه های عتیقی دربر خواهد داشت. آیا این هزینه ها از خزانه دولت پرداخت خواهد شد؟ کدام خزانه؟ همان خزانه ای که اصلا بجز ۱۰۰۰ میلیارد ریال کسر بودجه خواهد داشت؟ آیا این هزینه ها از دهقانان بی زمین گرفته خواهد شد؟ از چه چیز آنها؟ آیا زمینها و تاسیسات کسائی داده میشود که از عهده پرداخت بهای آن برآیند؟ در این صورت هنوز هم اسم آن اصلاحات ارضی است؟ و بالاخره چه تاثیری بر اقتصاد کشاورزی کشور باقی خواهد گذاشت؟ واقعیتهای سیاسی روز نشان میدهند که حرکت به سمت تامین حقوق مالکین است و نه برعکس. بهرحال اینکه چه شرایطی میتواند به یک اصلاحات ارضی ریشه ای و بدون بازپرداخت فرات بیانجامد جای بحث دارد.

بطور خلاصه علویوم فشارهایی که از سوی اقتصاد محروم روستایی به طرق گوناگون به سرخس از

تصحیح و پوزش

در رهائی شماره ی ۱۰۵ به هنگام تایید اشتباهاتی رخ داده است که ضمن پوزش به تصحیح آنها میپردازیم:

- ۱- صفحه اولی ستون دوم عبارت: "...علویوم تمام شرایط عینی و ذهنی در همین عدم حضور و شرکت فعال توده ها در صحنه مبارزه و نبرد نهایی برای سرنگونی رژیم نهفته است..." واژه ذهنی زائد است.
- ۲- صفحه ۶ پاراگراف چهارم بعد از خط دوم عبارت: "...که محتاج جوانان است و کمونیستها برای ایجاد جامعه ای مبارزه میکنند که..." باید اضافه شود.

نمایندگان دولت، که قادر به درک نسبی سبب آنها هستند، وارد شده و به سطح جامعه انعکاس میابد، حاکمیت بطور کلی به پیچیده گراشی انجام یک اصلاحات ارضی بنیادین، ندارد. از طرف دیگر فشارهای چنانچه ای مستقیما طرفدار مالکین وجود دارد که بر تعالیات عمیق حاکمیت در جهت راست تاثیر میگذارد. در این سلسله نهادهای وابسته به رژیم اسلامی مثل چهار سازتگی، سپاه، بخش از وزارت کشاورزی به اشکال مختلف ضرورت اصلاحات ارضی را بعنوان یک خواسته "فراوش نشدنی" بخش وسیع دهقانی کشور طرح میکنند، چه بسیار مقالات که می نویسند و حتی چه بسیار نامه ها که خود به نام روستائیان به روزنامه ها میفرستند و بیست سنت نامه پراکنی را در میان آنها رواج میدهند. اما واقعیتهای روزمره نشان میدهد که آنها نیز پسر حال، تحت شرایط گوناگون که بی از آن ها گرایش های مکتوب طبقاتی خودشان است، به همراه راه افتاده اند، و چندان کاری به این ندارند که آنچه تصویب میشود از چه محتوایی برخوردار است، چیزی باید به میان روستائیان برده شود. اگر مقیاس متوسط میزان زمین تحت مالکیت عبارت نامعلوم و کندار، بیش از سه برابر عرف محلی باشد، از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که درصد نه چندان زیادی از مالکین بالاتر از سطح متوسط، شامل این اصلاحات قرار خواهند گرفت. فشارهایی که از سوی نیروها - بگذریم که این تخمین توده ای - اکثریتی که هر چه را که حاکمیت ملی عصر بنویسد خلقی میدهند - و از سوی اقدار دهقانی وارد میشوند، هرچه سنگ تر و توانمندتر باشند، بهنگام اجرا درصد بیشتری از مالکین مزبور شامل لایحه قرار خواهند گرفت. اما این نیز به خودی خود حدی دارد.

بطور ضمنی چنین تبلیغ میشود که ایت اللهب خمینی تصمیم قطعی خود را بر سر اجرای بند "ج" گرفته و پس از مدتها سر رواندن آنها و کم حلوسی ها به طرفداران اصلاحات ارضی به این نتیجه رسیده است که با اجرای لایحه اساس اسلام، که احترام به مالکیت خصوصی است، نخواهد لرزید و سلسله حفظ حکومت اسلامی است و گرنه مهم نیست که یک روز، در زمان اصلاحات شاه، احکام اولیه اصل باشد و امروز احکام ثانویه. اما حضرات آیات عظام مخالف، با این توجیه گیری ها از میدان بدر نمروند. ولایتی قبل از معرفی به مجلس به عنوان نامزد نیست چیزی در نماز جمعه ۲۴ مهرماه به ایراد نطقی پرداخت که در واقع عبارت بود از معرفی جهت حرکت دولت آینده. در همین حال که میگفت "در اسلام مالکیت محترم است، اما افسرد باید بیوهات شرعی خود را بدهند." میافزود که "حدود مالکیت بسیار دقیق و حساس است" نیز این جمله که "... باید کوشش نمایند امکانها حیاتی که برای زندگی این مردم لازمت از اختیار زانو عفتانی که در کسند نشسته اند، خارج شود. البته او در زمینه های دیگر مانند سیاست خارجی سیاست آموزشی و غیره نیز سخن گفت اما حرفهای او در این زمینه ها تنها تکرار حرفهای قبلی

بقیه در صفحه ی ۱۲

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

ایران و مطبوعات جهان

□ روزنامه کوفی * الانبیا * در شماره مورخ ۱۵ شوال ۱۴۰۱ نوشت:

* جمهوری اسلامی اسناد فوق‌العاده مهمی را که شیوه‌های جاسوسی و خرابکاری صهیونیست‌پارادار خلیج برط بسازد، هم‌زمان مخفی نگه میدارد... در اینکه مدتیست که روابط جمهوری اسلامی و سازمان آزاد پیکش فلسطین (ساف) سردی گزاشده جای هیچ‌گونه بحث و گفتگوی نیست. و چندی قبل، حکومت ایران به ساف اعلام کرد که از این پس نمیتواند از عنوان "سفارت" استفاده کند و تنها میتواند از "دفتر سازمان آزاد پیکش فلسطین" نام ببرد.....

نگه‌ی اخیر که چندماه پیش در نشریات حزب ایران نیز مطرح شد، علت آن امروز (پس از برط شدن استقرار روابط بانگانی بین جمهوری اسلامی و اسرائیل و پیوسته خرید اسلحه از همان اولین مساعی های آغاز جنگ ایران و عراق) روشن شده است: آیا یکی از شروط فروش اسلحه از طرف اسرائیل به جمهوری اسلامی، بسته شدن سفارت فلسطین در تهران نبود؟

ما در شماره‌های گذشته، اخبار متعددی در زمینه‌ی فوق ارائه داده‌ایم و یک نمونه دیگر، مضمون است که برنارد کترمن، از سرویس خبری نیویورک تایمز نوشته و در هرالد تریبون مورخ ۲۴ اوت ۸۱ بیاب رسیده است که ضمنی از آن نقل میشود:

* نامه‌ی گفتمی منابع سیاسی و مسئولین دولت گارتو، اسرائیل مضمونه ۴۰۰ لاستیک هواپیمای اف-۱۵ ساخت آمریکا را در اوایل جنگ ایران و عراق به جمهوری اسلامی فروخته است. اما به درخواست آمریکا، بدلیل هم زمان بودن این معاملات با تحریم اقتصادی آمریکا بر اثر گروگانگیری، اسرائیل معاملات خود در زمینه ارسال تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی را موقتا متوقف ساخت.

دولت ریگان، این فرضیه را که علیرغم درخواست آمریکا، اسرائیل همچنان به فروش تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی ادامه داده، پذیرفته است. ولی به گفتمی سازمان کشور های آمریکا، اسرائیلی‌ها به واشنگتن گفتند

که معاملات نظامی با ایران مشمول همینستاز وسایلی که ساخت آمریکا می‌باشد و محتاج تأیید فروش آمریکا هستند، نمیشود... منابع خبری در تحلیل انگیزه‌های ضایع یکین، فروتنی اسلحه و لوازم یدکی به جمهوری اسلامی میگویند که او به هیچ‌وجه خواستار این نیست که عراق از میدان جنگی در سیتامبر گذشته شروع شده است بیرون بیاید. اسرائیلیها که نیروگاه اتمی عراق را در ۷ ژوئن از بین بردند، عراق را دشمن اصلی خود در خاور میانه میدانند... بنا به گزارش ضایع خبری گردانندگان دولت گارتو (وزارت خارجه و گارخ سفید) در سیتامبر گذشته ((جنسی در اوایل روزهای آغاز جنگ ایران و عراق)) دولت اسرائیل به دولت آمریکا اطلاع داده بود که ایران از اسرائیل درخواست خرید وسایل نظامی جهت استفاده در جنگ ایران و عراق کرده است... یکی از مقامات سابق وزارت خارجه گفته است: "بدنحال محاصره اقتصادی علیه جمهوری اسلامی از طرف آمریکا و متحدین آن که فروش وسایل نظامی نیز تحریم شده بود، مابه این نتیجه رسیدیم که بهتر است اسرائیل را داخل این مجموعه بچیند. نکتی می با ابطال از آنها خواست کردیم تا حل مسئله‌ی گروگانها، از معاطه با ایران خود داری کنند و بی با اینکه، فکر میکنم که اسرائیلی‌ها حداقل یک مجموعه‌ی نظامی برای ایران فرستاده‌اند و وقتی که این مجموعه تقریبا تحویل داده شده بود تأیید این عمل را از ما خواستار شدند..."

برخی دیگر از مقامات سیاسی آمریکا تذکر می‌دهند که در طی جریان گروگانگیری، تنها معاطه‌ای که بین اسرائیل و جمهوری اسلامی به نتیجه رسید فروش ۲۰۰ حلقه لاستیک هواپیمای فانتوم اف-۱۵ به جله پانصد هزار دلار بود... معاطه نظامی جمهوری اسلامی و اسرائیل وقتی از برده بیرون افتاد که روزنامه‌ی تایمز لندن در ۲۴ اوت ۸۱ خبر داد هواپیمای باربری آرژانتینی که در ۱۸ ژوئیه در اتحاد جماهیر شوروی سقوط کرده حاصل ۳۶۰ تن لوازم یدکی تانک و مواد منفجره از اسرائیل به ایران بوده است. تلوزیون ۱۰ سی. سی. آمریکا در تاریخ ۲۰ اوت ۸۱ از قول رئیس جمهور سابق ایران، آیت‌الله‌الحسن بنی صدر اعلام داده بود که تا مبرده اعلام داشته است: "من مخالف معاطه با اسرائیل بودم ولی رهبران مذهبی نظر مرا نادیده گرفتند و اقدام به معاطه با آن کشور کردند."

معاملات ایران و اسرائیل توسط تجار فرانسوی و با کمک دولت ((قبلی)) فرانسه انجام شده است. لاستیکهای هواپیمای اف-۱۵ از اسرائیل با هواپیمای فرانسه وارد میشد و از فرانسه با هواپیمای باربری به ایران ارسال میکردید... تلوزیون ۱۰ سی. سی. گزارش داده است که ایران توانسته است کمپوزهای تانکهای ساخت بریتانیا بنام "اسکوپیون" را توسط شرکتهای خصوصی



انگلیسی و لوازم بدکی تانکهای امریکائیسی
۱-۱۰ را توسط بازرگانان اسلحه ایتالیائی
وارد کنند. این وسائل توسط هواپیماهای پاری
ر. س. س. شعلی به شرکت کارگو لیکن
که دفترش در لوزان میون است حمل شده و
مدان بارنامه های نقلی با اطلاع و سکوت
مقامات فرانسوی تهیه گردیده است.

روز بیشتر نیست... کسری بودجه ایسران
۷۰۰ میلیون دلار در ماه میانشد...
بقیه در صفحه ۵

لوموند در شماره یوز ۱۹ سپتامبر ۸۱ در مقاله ای
تحت عنوان "تولید روزانه ی اوپک در یکسال ۲۴/۷
درصد کاهش یافت" مینویسد:

- تولید نفت سیزده کشور عضو اوپک تقلیل یافته و به میزان ۱۹/۱ میلیون بشکه در روز (۲۵۰ میلیون تن در سال) رسیده است که نسبت به سپتامبر ۸۰ (۲۵۰ میلیون بشکه در روز) ۲۴/۷ درصد کاهش داشته است (ضعیف میلهی "نفت از گاز عریض" کاهش میزان تولید بر اثر پائین آمدن تقاضا در پنج کشور زیر شدیدتر بوده است.
- نام کشور سپتامبر ۸۰ سپتامبر ۸۱ درصد کاهش
- ۱- لیبی ۱/۶۸۰۰/۰۰۰ ۵۰۰/۰۰۰ ۷۰
- ۲- عراق ۲/۹۰۰/۰۰۰ ۹۰۰/۰۰۰ ۶۶
- ۳- جزیره ۱/۵۸۰/۰۰۰ ۵۰۰/۰۰۰ ۵۳
- ۴- کویت ۱/۱۲۸۰/۰۰۰ ۶۲۰/۰۰۰ ۵۱
- ۵- الجزایر ۹۰۰/۰۰۰ ۵۰۰/۰۰۰ ۳۹

تذکره: واحد بشکه در روز است.
تولید روزانه ی دو کشور در سپتامبر ۸۱ نسبت به سپتامبر ۸۰ افزایش داشته است:

- نام کشور سپتامبر ۸۰ سپتامبر ۸۱
- ۱- ایران ۱/۱۰۰/۰۰۰ ۱/۲۰۰/۰۰۰
- ((باید توجه داشت که ارقام در نوشته همه جا "تولید روزانه" است نه "صادرات روزانه" در مورد ایران باید میزان صوفی داخل می شود))
۲- ایتالیا ۱۸۰/۰۰۰ (۸۰) ۲۰۰/۰۰۰ (۸۱)
- میزان تولید روزانه عربستان سعودی در نیمه دوم سپتامبر ۸۱ (پس از کاهش یک میلیون بشکه در روز از اول سپتامبر) ۱/۱۲۰/۰۰۰ بشکه در روز است و در حال حاضر حدود ۵۰ درصد از نفت اوپک را استخراج میکند. در سال ۸۰ سهم عربستان سعودی در تولید کلی اوپک به ۳۸ درصد می رسد.

روزانه "لیبراسین" در شماره یوز ۲ اکتبر ۸۱ (۱۰ مهر ۶۰) خود مینویسد:

"جنگ ایران و عراق که به قیمت کشته شدن سه هزار ایرانی ((متداوم ترین رقم در ساره قربانیان ایرانی این جنگ)) رقم پنجگانه هزار نفر می باشد)) و آوارگی یک میلیون و نیم تن از آنها شده است. ۲۱ درصد از بودجه ایران را میبرد. بودجه ی سال جاری کشور پوری رقم ۲/۴ میلیون بشکه عدم نفت پایه گذاری شده بود در حالیکه صادرات این کشور در حال حاضر، ۵۰۰/۰۰۰ بشکه نفت در

اصلاحات ارضی ...

ملایان بودوسی. لاجرم برخورد او با مسئله ی اصلاحات ارضی و عمدتاً نظراً و درباری اجرای بند "میتوانست ملک تفاوت اعضای مجلس شورای اسلامی قرار گیرد. این تفاوت از جهت شناخت توان دو جبهان وارد در جدال مربوط به اصلاحات ارضی نیز مفید واقع گردید. وقتی بینندگان نسبت بیزی ولایتی با آرای مخالف و متضام زیادی رد شد. به عبارت دیگر وقتی در اولین حرکت خود جناح خاشه ای - روستایی برخلاف انتظارها بی شهری بدل خنوت جناح رقیب رویرو شدند، عین شکای نیز همان گردید. بینرمدوی گئی، نخست وزیر، در آستانه ی تقدیم استعفا نامه به رئیس جمهور، (خاشه ای که با ۱۶ میلیون رای اعلام شده بر پشتوانه ۱۳ میلیون رای قلابی تکیه دارد) به ملاقات آقایان گلبانگانی و مرعشی نجفی، این دو تن ایات عظام عالی مرتبه که در دفاع از اساس اسلام یعنی مالکیت نامحدود

(بر اساس "احکام اولیه" قرآن و سنت) با سب محدود مالکیت زمینداران جدا مخالفت میورزند، رفته بود. اینک اگر جناح اظمت بازرگان، موسوم به لیبرال، را کنار بگذاریم - که خود به ضرب نامزدا و جفاق حزب الله کنار رفتند - مینبینیم که مجلس به دوباره تقسیم شده است. این شکای در آینده بیشتر خواهد شد. جدال بر سر کسب قدرت و برسر تحصیل بینشهای خاص از اسلام، دیگر ازبوره بیرون اندام است. در چنین شرایطی اکثر تجربه ی تلخ نزاع گذشته ی درون حاکمیت از سوی جناح خاشه ای بکار گرفته شده و راه به سوی آشتی هموار شود، این توده های زحمتکش روستاها هستند که تاوان این آشتی گمان رایا به بردارند. اکثر جدال آج بکیرد، فقط تا آن حد به ستمفین زمین اشاز داده خواهد شد که حرف از میدان برود نه انقصر که روستائیان طعم بیروزی را در این برهه ی کشتار علی وار ببینند و نه انقصر که سرمایه داران خودی بربینند (که البته از پیش امتیاز کافی برایشان در شن لایحه در نظر گرفته شده است). حتی در صورت بیروزی بر رقیب، آنچه به اجرا درخواهد آمد، ضمن تحول اساسی در نظام زمینداری و ریشه گئی فقر زمین روستایی و بسا بردن بهره دمی زمین و احساء بیعدالتی نخواهد بود. در آینده با زهم درباری چونکی اجرای این لایحه، درباری حقایقه اصلاحات ارضی اساسی و شاهنشاهی و بالاخره درباری تاثیر اصلاحات ارضی، در جهت حالت مختلف، بر سطح تولید کشاورزی بزرگ اقتصاد و بهایات اجتماعی روستاها بحث خواهیم کرد.

ادامه دارد

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

اطلاعیه

ما نمیتوانستیم در موافقت کمونی با ارزیابی نسبتا یکسانی که از شرایط و ماهیت تحولات اجتماعی آسی با "سازمان وحدت کمونیستی" داشتیم، همپوشانی گذشته دیواره ای به گرد خود کشیده و هرگونه عمل مشترک را منوط به حل اختلافات تئوریک سازیم و به ندای رهبا در وحدت عمل نیروهای چپ پاسخ نگوئیم.

ما نمیتوانستیم در زمانی که جنبش کمونیستی در زو شدیدترین ضربات ارتجاع خاکم قرار دارد و بخشهایی از آن هنوز از تصور کیدگانهی "خودمرکز بینی" بیرون نیامده اند، هرگونه همکاری و عیاری را وابسته به بیداری دیگر بخشها ساخته و به امر همکاری و اتحاد پاسخی نگوئیم.

ما نمیتوانستیم در برابر سیر تحولات اجتماعی و گسترش نیروی رفومپستی که ماسفانه بخشهایی از مدعیان کمونیسم را نیز بدنبال کشیده، بی تفاوت مانده و اشتراکات سیاسی را برجسته نکیم، تا از این طریق در امر پیشبرد منافع پرولتاریا قدم مثبتی برداشته باشیم. ما برخلاف تاقیه بازار چپ جنبش کمونیستی، طریقتی نداشتیم که بخواهیم جنبش را در چهار چوب آن امون ویژه بکنانیم. چهار سویه ی تحولات سیا سی - اجتماعی جامعه را نمیتوانیم محدود به چهار دیواری فرقه و گروه خود سازیم. ما سخن هر پایگاه خصم طبقاتی را، سنگری برای تعرض بعدی انقلاب میدانیم و از اینرو همواره این گفتار داهیانسه نئین را سرمنش خود قرار داده ایم که:

"انقلابیون البته هرگز از مبارزه برای رفوم ها از دست یابی به کم اهمیت ترین و فرعی ترین پایگاههای دشمن، هرآینه این پایگاهها به تعرض انقلابی نیرو بخشند و پیروزی گام را تسهیل نماید چشم نمیپوشند. اما آنها هرگز فراموش نمیکنند که دشمن در بعضی موارد یکی از سنگرهاهایش را تخلیه میکند تا حمله کنند گان را از هم جدا کرده و آسانتر بزانو درآورد.

آنها هرگز فراموش نخواهند کرد که جنبش فقط آنگاه از گامهای ضعیف و اشتباهات فاحش صون خواهد بود که "هد فغاشی" همواره در

مد نظر فرارگیرد. هنگامیکه هرگام "جنبش" و هر رفوم از موضع ساززه انقلابی ارزیابی گردد.

و نیت نیز میدانیم که تدارک تعرض انقلابی در این شرایط نیازمند توجه ای بس عظیم و تنوسد است، که امر همکاری و اتحاد کمونی ما با "سازمان وحدت کمونیستی" اندکی از این بار عظیم اجتماعی است. همکاری ما در شرایط کمونی با "سازمان وحدت کمونیستی" بر پایه ی عام ترین خواسته های دیوکراتیک پرولتاریائی که در مرکز خود امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تلبیح این واقعیت را که آزادیهای دیوکراتیک و هرگونه دیوکراسی اساسی دیگر در نهایت نقطه وسیله ای اعمال دهر انقلابی بوده است باید تشکک میدهد. این همکاری در حد دیده خواسته های مشترک تحت نام س. و. ک. و ارگان آن رهاسر انجام میگردد.

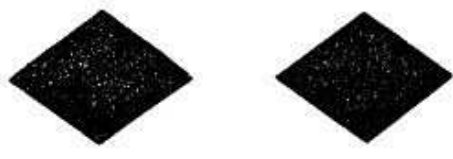
سرنگون باد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی
بیش بسوی برپائی مجلس موسسان زحمتکش
متحکم باد اتحاد جنبش کمونیستی

آبان ماه ۱۳۶۰

گروه کمونیستی اسپار تا کوس

★ **هموطن!**
تاییده به محدودیت امکانات سازمان ما در چاپ وسیع و بخش گسترده ی "رهائی" که خود ناشی از اقدامات سرنگونانی رژیم ارتجاعی و استبدادی جاگم است. کوشش کن که پس از خواندن "رهائی"، در صورتیکه امکان تکثیر آنرا نداری (بهم وسیله ی متن هر شماره را لایق بدست همسایگان، دوستان و آشنایان خود برسانی و با اینکار سهم خود را در افشای ماهیت ارتجاعی و مد مردی رژیم جمهوری اسلامی، برای درعم تشکک جو اختتاقی و سرکوب و در مبارزه علیه ترور و استبداد، ادا کنی.

پیروزی با ماست



اطلاعیه

کمیته‌های ایرانی این اجازه را نداد، که هر سوزنی به حرم "شهد طبعی بولتاریا" یعنی خرده بورژوازی در حاکمیت و رفتارش برخورد شود. و این درک نادرست و غیر علمی تا بدانجا ریشه دواند میوه که هر کس از تضاد کار و سرمایه سخن بمان میآورد، با آنکه تروتسکیسم از میدان بدرش میگردند. "سازمان وحدت کومنیستی" در آن دوران از جمله جریاناتی بود که با صراحت کلامی بر ارزنده به تعیین جایگاه خرده بورژوازی در حاکمیت و نقش پرولتاریا در تضاد اساسی جامعه سرمایه داری ایران پرداخت. تحلیلی که تشکیل دهندگان امروزی "گروه اسپارتاکوس" را با آن توافق و سازگاری بود.

موضوع اشغال سفارت آمریکا که توسط ایادی حزب "جمهوری اسلامی" و تبلیغات بعدی رژیم پیرامون "ضد امپریالیستی" جلوه دادن این عمل، چگونگی سلبی خاندان برانداز، چپ ایران را بدو نیم تقسیم نمود. و این تقسیم بندی تا بدانجا ادامه یافت که بخش صعی از چپ سنتی ایران همچون سازمان چریک های فدائیان خلق (قبل از انشعاب) به نائید از این اقدام پرداخت و جندی بعد حتی "فدائیان اکثریت" را بر کنار اردوگاه ارتجاع حاکم ثابت مگان کرد. خونبختانه وضع و نتیجه گیری های رفقای "سازمان وحدت کومنیستی" نسبت به این رخداد نیز با ما اشتراکات فراوان داشت.

با شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق، باقی مانده‌ی برج و باروهای بخش مرفقی جنبش کومنیستی ایران دستخوش فعل و انفعالات متعدد گردید. بسیاری از نیروهای تشکیل دهنده این بخش از جنبش کومنیستی از بی "دفاع از دستاوردهای قیام" و بی " مبارزه با امپریالیسم آمریکا" به تبلیغ شرکت در جنگ پرداختند. قائل از آنکه با چنین اطلاق به عمر رژیم چنابنگار جمهوری اسلامی خدمت میکنند. بی لفرای با آغاز جنگ موضع گیری چپ ایران نسبت به این رویداد، عفا بیدی نوبی در مان جنبش کومنیستی ایران پدیدار گشت. ما بر تحلیل در آن

هنگام نوشتیم:

"اگر جنگ کومنی برای زحمتکشان میهنمان بجز فقر و بی خانمانی چیزی به همراه نداشت، ولی در عوض برای جنبش کومنیستی این برکت را داشت که صورت بندی جدیدی را در میان خود بیجو آورد."

ما جنگ ایران و عراق را از جانب دو رژیم جنگی ارتجاعی و بشر زحمتکشان دو کشور ارزیابی کردیم و در این مضمون نیز با "سازمان وحدت کومنیستی" همخوانی و همراهی داشتیم.

ما از تکرار تاریخچه رخدادهای اجتماعی، این قدر را نداریم که بخواننده القا نشاسیم که مانیز در این درگیری های اجتماعی به اندازه چینه و توانسان حاضر داشتیم، بلکه قصد ما از تکرار این سائل فقط و فقط نشان دادن پیشینه ی سیاسی توافق امروزی و سیر اتحاد و همکاری امروزی با "سازمان وحدت کومنیستی" است و بصره

ما برخلاف وحدتهای غیر اصولی و لیزان تاکتی بخشهای مختلف جنبش کومنیستی با هم، همکاری و اشتراک صلی امروزی مان را با "سازمان وحدت کومنیستی" فقط از دل شرایط کومنی و صحت هایینه و یا دو جلسه ای استنتاج نکرده ایم. همکاری امروزی دستا بدهی صرف توافق چه باید کردهای کومنی نیست، اگرچه خود این چه باید کردها ریشه در شناخت پیشین دارند. زمینه ی مادی چنین نزدیکی از تکرار نسبتا یکسان و همسو ما با "سازمان وحدت کومنیستی" بر سر بهترین رخدادهای اجتماعی چه در گذشته و چه در حال نتیجه میشود.

ما معتقد بودیم و هستیم که اگر جریانهای انقلابی کومنیستی در صورت وجود نزدیکی در مواضع، شعارها و برنامه های سیاسی طریض داشتن اختلاف نظرهایی در موارد تشریحی، همانگونه که در مورد ما با "سازمان وحدت کومنیستی" پیرامون مرحله ی انقلاب و درک از پاره ای از پروبلما تیکهای جنبش جهانی کومنیستی اختلاف نظر موجود است، بایستی شرایط همکاری علمی و نظری بایکدیگر را فراهم آورند.

➔ **زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم**

اطلاعیه

بدون تردید در زمینه ی مسائل درونی جنبش چپ، ضمنی که بیش از همه مورد تأکید مقررکننده است ضرورت همکاری و اتحاد عمل نیروهای چپ است. این تأکید ما نه حاکمی از ساختن مسائل واقعی و کار درون جنبش بلکه ناشی از این بوده است که معتقدیم بوده ایم و هستیم که عنوان بر شکلات مجبور سلط شود. ما دلائل جدائی ها و تفرق ها

را خود مشاهده ایم و در پیرو این شناخت و معتقد بوده ایم که از ساده ترین عمل مانند همکاری با پیچیده ترین آنها مانند انعکاس مسائل بین المللی در ایران اگر هم قابل پی داشته باشد، نتایج و فرموله شدن ندارند و در صورتی که این عمل انجام شود در واقع وسیله همگاری ما، اتحاد و اتحاد عمل و وحدت مسئولان عالی است. مستوره مشخص کرد گفتگوی کمی را ندیده - حد و احوال به حد قابل قبول برساند.

با این برداشت آشنائی و مدارات با رفقای "گروه کمونیستی اسپارتاکوس" را که از چند ماه پیش شروع و اخیراً توسعه یافت همچنان یک نمونه ی مادی برای محقق شدن سایر های مشترک ما و این رفقا تا گردیم و اکنون خدمتیم که رسیدن به توافقی های مشخص بین دو جریان را اعلام کنیم. این توافق ها بر مناسبت حرکت از زمینه ی نقطه نظر اتایدولیت و سیاسی مشترک و برنامه ریزی عملی خود این نکات شروع شده و پستی ای بحث و تبادل نظر پسران مسائل مورد اختلاف ادامه خواهد یافت. در این زمینه رفقای

"گروه کمونیستی اسپارتاکوس" توافق کرده اند که فعالیت های عظیم و تبلیغی خود را در ارتباط با برنامه های سازمان ما تنظیم کنند و در عین حال فعالیت ترویجی مشخص خود را در مواردی که اتفاق نظر وجود ندارد ادامه دهند.

این همی علاوه بر جنبه عمومی فوق الذکر بر اهمیت دو تکیه در بر مبارزات دارد. اول آنکه نشان میدهد وجود اختلاف مانع حرکت عظیمی بر مناسبت اتحاد مشترک نیست و این شاید برای برخی از جریانات دیگر نیز رهنمودهایی دربر داشته باشد و دوم آنکه در عین حال که ضرورت اتفاق قند از پورت فانیستی امیسر رژیم درک شده بود با انجمنه عملی شدن آن در شرایط کمی حواصط اساسی به حداقل رژیم نیز هست. امیدواریم که سایر این اتفاق تا وحدت بی پیرویه و برقرار باشد.



مبارزات شوریک - سیاسی و درکام نخستین اجساد
اتفاق آراء نسبت به راه با مرحله ی انقلاب و برنامه ی
آن که همانا تئوری انقلابی است. در میان جنبش
کمونیستی دامن زد. نظارت و تا حدی شرکت
عناصر تشکیل دهنده ی گروه، چه بصورت جمعی و چه
فردی، در مذاکرات و جدل های نظری گروه عمای
کمونیستی پیرامون درک از مسائل پایه ای سوسیالیسم
علمی و انضباط آن با شرایط داخلی. بی گمان ما را
در انتخاب مواضع امروزین مان و انتخاب "سازمان
وحدت کمونیستی" کنگ و یاری رساند.
از جمله مسائلی که در فرودای قیام بهمن ماه زمینه ی
جدائی جنبش کمونیستی را تشکیل میداد، درک و
استنباط از ماهیت حاکمیت و محتوای اجتماعی - سیاسی
قیام توده ای بهمن ماه بود. بیولیسیم اکثریت

نویسنده ی حاضر پاسخی است به یک نیاز تاریخی.
اعتدای مبارزات طبقاتی در راستای اهداف تاریخی
کمونیسم. عمر شناخت گروه ما از جنبش تازی و چرائی
انتخاب "سازمان وحدت کمونیستی" از میان دیگر
مدعیان کمونیسم. به نبرائی نسبتاً دراز روزگاران
کمونی سرمد. درک ضرورت همکاری و اتحاد در درون
خانواده طرفداران طبقه ی کارگر، برای ما هیبتگاه
موضوعی لحظه ای و نشات گرفته از مقاصد فرقه ای
نبوده و نیست. ما اتحاد و همکاری مقطعی را همواره
کافی در جهت وحدت ولای جنبش کمونیستی، که
خود پیش شرط برپائی حزب طبقه ی کارگر است، می-
انگاریم. ولی نیک نیز میدانیم که برای تسریع فرایند
تشکیل حزب کمونیست و بوجود آوردن زمینه ی وحدت
واقعی کمونیست ها، تنها به مسئله ی وحدت عمل
مقطعی دل بستن امری اصولی نیست، بلکه باید به

